



ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی

در گفت و گو با دکتر علی شریعتمداری

نظام تعلیم و تربیت در مکاتب گوناگون با توجه به نوع جهان بینی آنها با یکدیگر متفاوت است و هر مکتبی آن را بر اساس نوع نگرش خود به جهان و انسان تحلیل و تبیین می‌کند و به همین دلیل هر یک برای تعلیم و تربیت مطلوب خود ویژگی‌هایی را ترسیم می‌نمایند. نظام تعلیم و تربیت اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در این بخش، در محضر استاد، دکتر علی شریعتمداری، از فرهیختگان تعلیم و تربیت به گفت و گویی صمیمانه درباره ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی نشستیم که توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنیم.

مربیان: جناب آقای دکتر شریعتمداری، ضمن تقدیم احترام و تقدیر و تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، لطفاً بفرمایید: ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

جواب: نظام تعلیم و تربیت اسلامی از ویژگی‌های بسیاری برخوردار است که برخی از آنها عبارتند از: «و حیاتی و الهی بودن، جامعیت، پویایی، هدایتگر و انقلابی بودن» این ویژگی‌ها نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از دیگر نظام‌های تربیتی متمایز می‌سازد.

مربیان: با توجه به ویژگی‌هایی که بیان فرمودید، منظور از وحیانی بودن نظام تعلیم و تربیت اسلامی چیست؟

جواب: منظور از وحیانی و الهی بودن آن است که منبع چنین تعلیم و تربیتی خداوند متعال است که پیام هایش به وسیله پیامبران در اختیار بشر قرار گرفته است و کامل ترین آن در اسلام و به دست با کفایت رسول اکرم (ص) برای بشر بیان شده و جانشینان آن حضرت نیز آن را بیشتر تبیین و تشریح کرده اند و ما میراث دار چنین نظام تربیتی هستیم. نظام تربیتی اسلام با فطرت انسانی و ابعاد وجودی او هماهنگ است و چنین خصوصیتی در دیگر نظام های تربیتی وجود ندارد.

مربیان: جناب استاد بفرمایید منظور از جامعیت نظام تربیتی اسلام چیست؟ و نظام تربیتی اسلام از این نظر با دیگر نظام های تربیتی چه فرقی دارد؟

جواب: جامعیت و شمول بدین معنا است که در نظام تربیتی اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه شده و بر همین اساس انسان می تواند با آموزه های دینی آشنا شود و خود را در ابعاد روحی و جسمی، عاطفی و عقلانی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی متناسب با اهداف متعالی اسلام تربیت کند؛ چرا که اسلام در نظام تربیتی خود به همه این ابعاد توجه دارد؛ ولی در مکتب های ساخته دست بشر یک یا دو جنبه از ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار گرفته است؛ به عنوان مثال بر جنبه اجتماعی انسان تکیه می شود و یا تنها جنبه فردی او را مورد تاکید قرار می دهند. چنان که در غرب می گویند ما آزادی فردی را محترم می شماریم و شما در نظام غربی آزاد هستید که دست به هر کاری بزنید و این را جزو امتیازات مکتب تربیتی خود قلمداد می کنند، در صورتی که این یک مغالطه است.

چیزی که در اسلام وجود دارد و در مکاتب دیگر نیست «جامعیت اسلام» است. برای صحت این ادعا اگر قدری در آیات و روایات زیر ببینید، جامعیت نظام تربیتی اسلام روشن تر می شود که اسلام چگونه به همه ابعاد وجودی انسان عنایت کرده است. در آیه ای می خوانیم:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» (حجرات: ۱۰)

مومنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید.

در آیه ای دیگر:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مائده: ۲)

و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری همدیگر را یاری رسانید.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۱)

کسی که شب را صبح کند و به امورات مسلمانان اهتمام نوردد مسلمان نیست.

امام کاظم (ع) فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَحُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالْوَسْلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَنْبِيَاءُ فَالْمَقُولُ» (۲)

خداوند دو حجت دارد: حجتی ظاهری و آن پیامبرانند و حجتی باطنی که عبارت از عقل است.

همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (۳)

من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.

و ده‌ها نمونه از این قبیل آیات و روایات از جامع بودن نظام تربیتی اسلام خبر می‌دهد.

چنان که ملاحظه می‌فرمایید اسلام به بعد عقلانی شخصیت انسان، کمال اهمیت را داده و نقش عقل را در کنار نقش پیامبران در هدایت انسان آورده است. به بعد اجتماعی انسان نیز توجه کرده و برای استحکام روابط اجتماعی بر برادری مومنان، تعاون و همکاری در کارهای خیر، احساس تعهد و وظیفه نسبت به یکدیگر تأکید ورزیده است.

اسلام همچنین به بُعد اخلاقی و معنوی انسان نیز کمال اهمیت را داده و تزکیه و تهذیب نفوس انسان‌ها را از جمله اهداف بعثت انبیا شمرده است. در همین راستا بر کنترل عواطف و احساسات تکیه کرده و فرو خوردن خشم و غضب را یک ارزش می‌شمارد. از طرفی انسان را همواره به مقصد و مطلوب حقیقی‌اش توجه داده و با ارائه راه و روش پرستش، نیایش و برنامه‌های خود سازی، او را در قرب الی الله مدد می‌رساند. در عین حال از جنبه جسمانی و دنیوی او نیز غافل نبوده و بهره‌گیری بهتر از دنیا و مواهب آن را برای دستیابی به سعادت گوشزد می‌نموده است. چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷)

بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن.

بر اساس این تعالیم، دنیا و مواهب آن ابزار و وسیلهٔ دستیابی به کمال انسان
شمرده شده‌اند.

مربی‌ان: در بیان ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت اسلام به پویایی این نظام اشاره
کردید. لطفاً معنای پویایی را بیان نمایید و بفرمایید که پویایی و بالندگی یک مکتب یا
نظام تربیتی در چیست؟

جواب: پویایی، نقطهٔ مقابل ایستایی و اصطلاحی است که اندیشمندان جدید در
جامعه‌شناسی مطرح کرده‌اند و می‌گویند: جامعهٔ پویا، جامعه‌ای است که بتواند با
مشکلات تازه برخورد کند؛ با شرایط جدید رو به رو شود و در حال تکاپو و ترقی باشد.
وقتی بحث از مکتب پویا شود باید دید که اصلاً مکتب پویا یا پویایی یک مکتب در
چیست؟ از نظر ما، مکتب به نظامی اطلاق می‌شود. که دارای اصول، مبانی، اهداف و
روش‌هایی است و بین این اصول و مبانی و اهداف و روش‌ها یک نوع هماهنگی و ارتباط
وجود دارد که این مجموعه را نظام می‌گویند.

پویایی مکتب در این است که راه را برای رشد و ترقی انسان باز کند و او را به کمال
برساند. اهداف در این مکتب طوری بیان شوند که انسان را ترقی داده و موجبات
پیشرفت او را فراهم کنند، نه این که وی را در یک مرحلهٔ مقدماتی محبوس و محدود کنند.
بنابراین در پویایی هر مکتب باید به اهدافی که این مکتب دارد نگاه کنیم.

بعضی از مکتب‌ها مقاصد محدود را به انسان تحمیل می‌کنند و به همین اندازه راضی
هستند، که انسان در هدف‌های خاص حرکت کند و در همان محدوده فعال باشد؛ ولی
بعضی از مکتب‌ها مانند مکتب اسلام هدف‌هایی را مطرح می‌کنند که دامنه‌ای بی‌نهایت
دارد؛ مثلاً وقتی از ارزش‌های معنوی، از تقرب به حق تعالی از برگشت به سوی مبدأ، از
خداگونه زیستن و از کسب فضایل معنوی و اخلاقی بحث به میان می‌آید و می‌بینیم که در
جای جای متون اسلامی با یک سلسله اهداف گسترده‌ای سروکار داریم که موجبات
رشد و ترقی انسان را فراهم می‌کنند، نه تنها انسان را در یک چارچوب محدود نمی‌کنند،
بلکه او را در مسیری قرار می‌دهند که احساس می‌کند همواره در حال پیشرفت و ترقی
است. با این که مکاتب غربی ادعا می‌کنند از مکتبی پویا و نظام تربیتی بالنده‌ای
برخوردارند، ولی وقتی در اهداف آن مکاتب به دقت می‌نگریم و اهداف و روش‌های آنها

را مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که انسان را در یک چارچوب مادی یا اجتماعی قرار می‌دهند و دست و پای او را چنان می‌بندند که نمی‌تواند از آن چارچوب پا را فراتر بگذارد؛ اما نظام تعلیم و تربیت اسلامی با برخورداری از ویژگی پویایی و بالندگی انسان را در یک مسیری قرار می‌دهد که این مسیر، راه را تا بی‌نهایت برای ترقی و تکامل او باز می‌کند.

مربیان: نظام‌های تربیتی هر کدام به گونه‌ای ادعا می‌کنند که هادی انسان به سوی سعادت و خوشبختی هستند، در همین راستا ویژگی هدایتگری نظام تربیتی اسلام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: در تعلیم و تربیت اصولاً از هدایت فرد سخن به میان می‌آید؛ اما هدایت در نظام تربیتی اسلام، معانی مختلفی دارد. در متون اسلامی خداوند هادی است و پیامبران الهی مأمور هدایت مردم‌اند. یک هدایت به عنوان هدایت تکوینی خداوند است که کل جهان در سایه این نوع هدایت اداره می‌شود، نوع دیگر هدایت تشریعی است که به وسیله پیامبران الهی به بشر ابلاغ شده است. قرآن می‌گوید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرْنَا وَإِنَّمَا كَفُرْنَا» (انسان: ۳)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! هدایتگر بودن نظام تعلیم و تربیت اسلامی بدین معنا است که در حوزه‌های دینی و معرفتی و چگونه بودن و نیز چگونه زیستن به انسان کمک می‌کند و او را به تفکر و تعمق و امید دارد تا در عرصه زندگی بتواند به شکل شایسته‌ای با مسائل برخورد کند. این جنبه از هدایت، تنها دستور دادن، توصیه کردن، موعظه کردن و حتی دعوت به اطاعت کردن نیست، بلکه دستگیری از انسان در به کارگیری قدرت فکر و اندیشه و شکوفا کردن آن است تا بدین وسیله بتواند فراز و نشیب‌های زندگی را به خوبی پشت سر گذاشته و به مقصد و مطلوب اصلی خویش نائل گردد.

مربیان: جناب استاد ضمن سپاسگزاری مجدد از این که وقت شریفتان را در اختیار ما قرار دادید، توضیح مختصری نیز درباره‌ی ویژگی انقلابی بودن نظام تربیتی اسلام بفرمایید.

جواب: یکی دیگر از ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی، انقلابی بودن آن است. در این نظام بر عدالت و دادگری تأکید شده است؛ باستمگیری مبارزه می‌شود و استکبار و بزرگ بینی منفور شمرده می‌شود.

این نظام، دارای حدود و ثغور است و ظالم و مظلوم متواضع و متکبر و دانشمند و نادان در آن یکسان نیستند. در تعلیم و تربیت اسلامی کوشش می‌شود انسانی با نشاط و شاداب، برخوردار از عزت و کرامت، و دارای منش الهی، با روحیه ستم ستیزی و مظلوم نوازی و شهادت طلبی تربیت شود که بتواند ره صد ساله را یک شبه بپیماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - کسی که شب را صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست.
- ۲ - خداوند دو حجت دارد: حجتی ظاهری و آن پیامبرانند و حجتی باطنی که عبارت از عقل است.
- ۳ - من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.